



عربی دهم هُدُ

(ادبیات و علوم انسانی)

از مجموعه مرشد

- ▲ درس نامه کامل
- ▲ پرسش های چهارگزینه ای (تألیفی و کنکور و مسابقات)
- ▲ پاسخ نامه تشریحی با نکته های کلیدی
- ▲ برای داوطلبان رشته های برتر دانشگاه های مشهور

خدیجه علیپور

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

دانش‌آموزان گرامی

ورود شما را به دوره‌ی دوم متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده‌ی شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره‌ی سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی هُدهُد را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «مرشد» به حساب می‌آیند، موفقیت تحصیلی شما را تضمین می‌کنند. این مجموعه، برای دانش‌آموزانی به رشته‌ی تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشته‌های گروه آزمایشی علوم انسانی دانشگاه‌های به نام کشور تحصیل کنند. کتاب «عربی دهم هدهد» شما را برای شرکت در امتحانات و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها آماده می‌کند.

مؤلفان مجموعه‌ی هدهد پس از ارائه‌ی درسنامه‌ی جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخ‌نامه‌ی تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد.

در پایان، وظیفه‌ی خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دبیر محترم مجموعه تشکر کنیم.

هم‌چنین از خانم‌ها گلناز جوانمردی و لیلا مهرعلیپور که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشته است و خانم بهاره خدای (گرافیست) بسیار ممنونیم و برای همه‌ی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.



٧.....	الدَّرْسُ الأوَّلُ
	مُراجَعَةُ دروسِ المَتَّفِ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ
٣٣	الدَّرْسُ الثَّانِي
	«إِنكُمْ مَسْؤُولُونَ» أمير المؤمنين علي عليه السلام
٥٧	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
	مَطَرُ السَّمَكِ
٧٣	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
	التَّعَايِشُ السَّلْمِيُّ
٨٧	الدَّرْسُ الخَامِسُ
	(هَذَا خَلْقُ اللَّهِ) لقمان ١١
١٠٣	الدَّرْسُ السَّادِسُ
	الْمَعَالِمُ الخَلَابَةُ
١٢٥	الدَّرْسُ السَّابِعُ
	صِنَاعَةُ النِّفْطِ
١٤٥	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
	بَا مَنْ فِي البِحَارِ عَجَائِبُهُ. مِنْ دَعَا الجَوْشَنِ الكَبِيرِ



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

ترجمه درس اول

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

دوره درس‌های کلاس هفتم و هشتم و نهم



﴿ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ﴾ (او همان خداست.)

۱. أَنْظُرْ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَةَ / ذاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ (به آن درخت با شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.)
۲. كَيْفَ نَمَتُ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً (چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟)
۳. فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ (پس بگرد و بگو آن چه کسی است که از آن میوه بیرون می‌آورد؟)
۴. وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً (و به خورشیدی که آتش آن فروزان است، بنگر.)
۵. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بَهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ (در آن روشنایی است و به وسیله آن گرمایی پخش شده است.)
۶. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ (چه کسی آن را در فضا همچون اخگر پدید آورد؟)
۷. ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَ مِنْهُمْرَهُ (آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.)
۸. ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ / وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَهُ (صاحب حکمتی کامل و قدرتی باشکوه است.)
۹. أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ (به شب بنگر پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورد؟)
۱۰. وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ / كَالذَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ (و آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داد.)
۱۱. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ (و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را فرو فرستاد.)
۱۲. فَصَبَّرَ الْأَرْضَ بِهِ / بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرِهِ (پس زمین را به وسیله آن پس از غبار آلودگی، سرسبز گردانید.)
۱۳. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ / مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ (و به انسان بنگر و بگو چه کسی در آن دیده‌اش را شکافت؟)
۱۴. مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ / بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ (او کیست که آن‌را به نیروی اندیشمندی مجهز ساخته است؟)
۱۵. ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَ مِنْهُمْرَهُ (او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.)



حوارات (التعارف في مطار النجف الأشرف)

گفت و گوهای (آشنایی با همدیگر در فرودگاه نجف اشرف)

زائر مرقد امیرالمؤمنین علی علیه السلام

(زائر بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

(سلام بر شما)

صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. (صبح بخیر ای برادرم)

كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟)

بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم و شکر خدا)

أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم). مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریف شما چیست؟)

إِسْمِي حُسَيْنٌ وَمَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (نام من حسین است و نام شریف شما چیست؟) إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ (نامم عبدالرحمان است).

هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای؟) لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. (نه متأسفانه. اما

دوست دارم که سفر کنم).

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!) إِنْ شَاءَ اللَّهُ. إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید

دیدار؛ به سلامت)

فِي أَمَانِ اللَّهِ. (خداحافظ)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ

(با یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)

وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

صَبَاحَ النَّورِ وَ السُّرُورِ. (صبح با نور و شادی)

أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم تو چطوری؟)

عَفْوًا مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (بیخشید اهل کجایی؟)



آموزش قواعد درس اول

(دوره سه ساله متوسطه اول)



اسم در زبان عربی از نظر جنس به مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود.

* **مذکر:** اسم مذکر نشانه‌ای ندارد و بر جنس مذکر که شامل انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌شود، دلالت می‌کند. مانند: (جَبَل، علی، بیت و)

* **مؤنث:** اسم مؤنث را با علامت (ة، ة) می‌شناسیم و بر جنس مؤنث که شامل انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌شود، دلالت می‌کند. مانند: (فاطمة، وَرْدَة، غُرَالَة و)

◆ **نکته:** اسم مؤنث گاهی بدون علامت است و در معنا مؤنث به شمار می‌آید. مانند: «زینب، مریم» و گاهی اسم‌های مذکر علامت مؤنث دارند ولی در معنا مذکر هستند. مانند: «طَلْحَة، مُعَاوِیَة»

تقسیم اسم از نظر عدد:

۱. **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز و یا یک حیوان دلالت کند. مانند: (طالِبَة، سُوق، کَلْب و ...)

۲. **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت نماید و با اضافه کردن «ان» و یا «ین» به آخر اسم مفرد (مذکر / مؤنث)، اسم مفرد را به اسم مثنی تبدیل می‌کنیم.

مانند: کتاب ← کتابان، کتابین / مانند: سیّارة ← سیّارتان، سیّارتین

۳. **جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و بر سه قسم است:

۱. **جمع مذکر سالم:** جمعی است که با اضافه کردن «ون» و یا «ین» بر آخر اسم مفرد مذکر انسان یا صفت آن ساخته می‌شود.

مانند: معلّم (مفرد مذکر انسان) ← معلّمون، معلّمین

مانند: مؤمن (صفت انسان مذکر) ← مؤمنون، مؤمنین

۲. **جمع مؤنث سالم:** جمعی است که با افزودن «ات» بر آخر اسم مفرد مؤنث یا صفت آن به دست می‌آید.

مانند: طالِبَة (مفرد مؤنث انسان) ← طالبات

مانند: محجّبة (صفت انسان مؤنث) ← محجّبات

۳. **جمع مکسر:** جمعی است که با تغییر دادن و در هم شکستن اسم مفرد تشکیل می‌گردد و برای اسم‌های مذکر و مؤنث و

انسان و غیر انسان به کار می‌رود و ساختن آن قاعده معین و قیاسی ندارد. مانند: (طَلّاب، طَلِبَة (طالب)، کُتُب (کتاب)،



حَقَائِب (حَقِيْبَة)، أَيَّام (يَوْم)، فَوَاكِه (فَاكِهَة)، أَلْوَان (لَوْن)، الْقِصَص (قِصَّة)، عُيُون (عَيْن) و ...

دقت کنید گاهی همیشه «ات» نشانه جمع مؤنث نمی تواند باشد و ممکن است که «ت» جزو حروف اصلی خود کلمه باشد.

مانند: (أَموات ← مَيِّت / أَيْيات ← يَيْت / أَصوات ← صَوْت / أَوْقات ← وَقْت)

اسم‌های اشاره: برای اشاره به شخصی و یا چیزی از اسم‌های اشاره کمک می‌گیریم.

۱. اسم‌های اشاره به نزدیک:

هذا (مفرد مذکر: هذا جَبَلٌ (این کوه است) / هذه (مفرد مؤنث: هذه مِئْذَة (این میز است) / هذان (مثنی مذکر: هذان طالبانِ (این

دو دانش‌آموز) / هاتان (مثنی مؤنث: هاتان لَوْحَتانِ (این دو تابلو) / هؤلاء (جمع مذکر / مؤنث: هؤلاء رجالٌ (این‌ها مردانی

هستند) / هؤلاء نساءٌ (این‌ها زنانی هستند).

۲. اسم‌های اشاره به دور:

ذَلِكَ (مفرد مذکر: ذلِكَ كِتَابٌ) (آن کتابی است) / تِلْكَ (مفرد مؤنث: تِلْكَ سَفِيْنَةٌ (آن کشتی است) / أُولَئِكَ (برای جمع مذکر

و جمع مؤنث هر دو به کار می‌رود) (أُولَئِكَ الْمُعَلِّمُونَ: (آن معلم‌ها)، أُولَئِكَ الْمُعَلِّمَاتُ: (آن معلم‌ها)

اسم‌های استفهام: (کلمات پرسشی)

۱. أ، هل (آیا) در جواب (أ، هل) از نَعَمْ (بله) لا (نه) استفاده می‌کنیم. مثال: هل هذا تَلْمِيْذٌ؟ نَعَمْ، هذا تَلْمِيْذٌ. (آیا این دانش‌آموز

است؟ بله، این دانش‌آموز است).

مثال: أهذه غِزَالَةٌ؟ لا، هذه سَفِيْنَةٌ. (آیا این آهو است؟ نه، این کشتی است).

۲. مَنْ (مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ) (چه کسی، کیست) (برای سؤال درباره انسان به کار می‌رود). اگر بپرسیم او کیست می‌گوییم؛

مثال: «مَنْ هُوَ؟ هُوَ طَالِبٌ». یا «مَنْ هِيَ؟ هِيَ طَالِبَةٌ». (او چه کسی است؟ او دانش‌آموز است).

۳. لِمَنْ (مال چه کسی، مال چه کسانی) (درباره مالکیت سؤال می‌کند و در جواب آن از «لِ» (برای) استفاده می‌کنیم).

مثال: «لِمَنْ هذا القَمِيصُ؟ لِسَجَّادٍ». (این پیراهن مال چه کسی است؟ برای سجّاد).

۴. ما (ما هُوَ، ما هِيَ) (چه چیزی، چیست، چه) (برای سؤال در مورد غیر انسان بکار می‌رود).

مثال: «ما هذا؟ هذا قَلَمٌ». یا «ما هذه؟ هذه رِسَالَةٌ». (این چیست؟ این مداد است، این چیست؟ این نامه است).

«ما» به صورت «ماذا، ماهو، ما هی» نیز بکار می‌رود.





مثال: ماذا في الحقيقة؟ (در کيف چه چیزی هست؟) / ما هو؟ ما هي؟ (آن چیست؟) / ما هي الحقيقة؟ (حقیقت چیست؟) / ما هو الفعل؟ / (فعل چیست؟)

نکته: (هو، هي) بعد از «ما» معنی نمی‌شود.

۵. این (کجا، کجاست) (کلمه «این» برای پرسش در مورد مکان به کار می‌رود).
در جواب «این»، از کلمات زیر استفاده می‌کنیم.

(فوق: بالا، تحت: زیر، أمام: مقابل، جنب: کنار، عند: نزد، حول: پیرامون، بین: میان، فی: در)

۶. من این (اهل کجایی، از کجایی) (برای این که پرسیم اهل کجایی؟ از «من این» استفاده می‌کنیم. مثال: من این أنت؟ أنا من مشهد، أنا مشهدي. (من از مشهد هستم، من مشهدی هستم.) (به دو شکل می‌توان پاسخ داد).
۷. كم (چند) در جواب «كم» عدد می‌آید.

مثال: كم قلماً في المحفظة؟ ثلاثة أقلام. (چند مداد در کیف هست؟ سه مداد).

مثال: كم طالبة في المكتبة؟ خمس طالبات. (در کتابخانه چند دانش‌آموز است؟ پنج دانش‌آموز)
۸. كيف (چگونه، چگونه، چگونه) (در جواب «كيف» حالت‌ها می‌آیند).

(مسروراً (شاد)، فرحاً (خوشحال)، ضاحكاً (خندان)، حزيناً (غمگین)، بسرعة (با سرعت)، بهدوء (به آرامی) و...)

مثال: كيف تذهب إلى الضيافة؟ أذهب ضاحكاً. (چگونه به مهمانی می‌روی؟ خندان می‌روم.)

۹. متى (چه وقتی) (درباره زمان انجام کاری پرسش می‌کند).

در پاسخ «متی» از کلماتی که بر زمان دلالت می‌کنند استفاده می‌کنیم.

مانند: (اليوم (امروز)، أمس (دیروز)، غداً (فردا)، صباح (صبح)، مساء (عصر)، نهار (روز)، ليل (شب)، قبل سنتين (دو سال پیش)، بعد شهرين (دو ماه بعد)، في الشهر الماضي (در ماه گذشته)، في الساعة (در ساعت....) و.....)

مثال: متى ذهبتم إلى كربلاء؟ ذهبنا قبل أسبوعين. (چه زمانی به کربلا رفتید؟ دو هفته قبل رفتیم.)

ضمیر: کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند تا از تکرار آن جلوگیری کند. مثال: علی طيب. هو في الغرفة.

(من (أنا)، تو (أنت (مذکر)) أنت (مؤنث))، او (هو (مذکر)) هي (مؤنث))، ما (نحن)، شما (أنتم، أنتما (متنی))، (أنتم (جمع مذکر)) أنتن (جمع مؤنث)، ایشان هُما، هُما (مثنی))، هُم (جمع مذکر) هُنَّ (جمع مؤنث)

اقسام فعل:

۱. فعل ماضی: فعلی است که بر انجام دادن کاری در زمان گذشته دلالت می‌کند. (ذهب: رفت، جاء: آمد ...)

* فعل ماضی با «ما» منفی می‌شود. «ما + جلس ← ما جلس (نشست)

ترجمه	فعل ماضی	نام صیغه به فارسی و عربی	
من شنیدم	أَنَا سَمِعْتُ	(متکلم وحده)	اول شخص مفرد
تو شنیدی	أَنْتَ سَمِعْتَ	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
	أَنْتِ سَمِعْتِ	مفرد مؤنث مخاطب	
او شنید	هُوَ سَمِعَ	مفرد مذکر غائب	سوم شخص مفرد
	هِيَ سَمِعَتْ	مفرد مؤنث غائب	
ما شنیدیم	نَحْنُ سَمِعْنَا	متکلم مع الغیر	اول شخص جمع
شما شنیدید	أَنْتُمْ، أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ	مثنی مذکر / مؤنث مخاطب	دوم شخص جمع
	أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ، أَنْتِنَّ سَمِعْتِنَّ	جمع مذکر / مؤنث مخاطب	
ایشان شنیدند	هُمَا، هُمَا سَمِعَا، سَمِعَتَا	مثنی مذکر / مؤنث غائب	سوم شخص جمع
	هُم سَمِعُوا، هُنَّ سَمِعْنَ	جمع مذکر / مؤنث غائب	

۲. فعل مضارع: فعلی است که بر انجام دادن کاری در زمان حال و یا آینده دلالت می‌کند. (يَذْهَبُ: می‌رود، تَجْلِسُ: می‌نشیند)

* اگر یکی از حروف «أ، ت، ی، ن» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل ماضی به فعل مضارع تبدیل می‌شود.

مانند: كَتَبَ ← يَكْتُبُ

* فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود. مانند: لا + يَرْقُدُ ← لَا يَرْقُدُ (نمی‌خوابد)

* اگر بر سر فعل مضارع حروف «س، سَوْفَ» بیاید معنای فعل مضارع را به مستقبل (آینده) تبدیل می‌کنند.

مثال: س، سوف + يَسْأَلُ ← سَوْفَ يَسْأَلُ، سَيَسْأَلُ (خواهد پرسید)

* فعل مضارع نهی: فعلی است که شخص را از انجام کاری باز می‌داریم و به او دستور می‌دهیم که آن کار را انجام ندهد.

شیوه ساخت: بر سر فعل مضارع «لا» می‌آید و تغییراتی در آخر فعل ایجاد می‌شود که با شکل‌های آن در جدولی که فعل

مضارع را صرف کرده‌ایم آشنا می‌شوید.



ترجمه	فعل مضارع نهی	ترجمه	فعل مضارع منفی	ترجمه	فعل مضارع	نام صیغه به فارسی و عربی	
_____	_____	نمی شنوم	لا أُسْمَعُ	من می شنوم	أنا أُسْمَعُ	متکلم وحده	اول شخص مفرد
نشو	لا تَسْمَعُ لا تَسْمَعِي	نمی شنوی	لا تَسْمَعُ لا تَسْمَعِينَ	تو می شنوی	أنتَ تَسْمَعُ	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص
					أنتِ تَسْمَعِينَ	مفرد مؤنث مخاطب	مفرد
		نمی شنود	لا يَسْمَعُ لا تَسْمَعُ	او می شنود	هُوَ يَسْمَعُ	مفرد مذکر غائب	سوم شخص
					هِيَ تَسْمَعُ	مفرد مؤنث غائب	مفرد
		نمی شنویم	لا نَسْمَعُ	ما می شنویم	نحن نَسْمَعُ	متکلم مع الغیر	اول شخص جمع
نشوید	لا تَسْمَعُوا لا تَسْمَعُوا لا تَسْمَعُونَ	نمی شنوید	لا تَسْمَعُونَ / لا تَسْمَعُونَ لا تَسْمَعِينَ	شما می شنوید	أنتما، أنتما تَسْمَعَانِ	مثنی مذکر / مؤنث مخاطب	دوم شخص
					أنتم تَسْمَعُونَ / أنتم تَسْمَعْنَ	جمع مذکر / مؤنث مخاطب	جمع
		نمی شنوند	لا يَسْمَعَانِ لا يَسْمَعُونَ / لا يَسْمَعْنَ	ایشان می شنوند	هُمَا، هُما يَسْمَعَانِ / تَسْمَعَانِ / هم يَسْمَعُونَ / هُنَّ يَسْمَعْنَ	مثنی مذکر / مؤنث غائب	سوم شخص جمع
						جمع مذکر / مؤنث غائب	



۳. فعل امر: فعلی است که دستور به انجام کاری می‌دهیم.

با دقت در افعال جدول زیر، وزن‌های فعل امر را خوب به خاطر بسپارید.

شخص	فعل مضارع	امر	ترجمه
دوم شخص مفرد	تَجْعَلُ (مذکر) تَجْعَلِينَ (مؤنث)	اجْعَلْ (مذکر) اجْعَلِي (مؤنث)	قرار بده
دوم شخص جمع	تَجْعَلَانِ (مثنی مذکر) تَجْعَلْنَ (مثنی مؤنث) تَجْعَلُونَ (جمع مذکر) تَجْعَلْنَ (جمع مؤنث)	اجْعَلَا (مثنی مذکر) اجْعَلَا (مثنی مؤنث) اجْعَلُوا (جمع مذکر) اجْعَلْنَ (جمع مؤنث)	قرار بدهید

ترکیب وصفی: از موصوف و صفت تشکیل می‌شود، موصوف اسمی است که برایش یک ویژگی می‌آوریم و آن ویژگی صفت

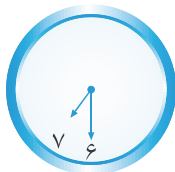
نامیده می‌شود. مثال: عُمَالٌ مجتهدونَ. (کارگرانی کوشا)
موصوف صفت

ترکیب اضافی: از مضاف و مضاف‌الیه تشکیل می‌شود، مضاف اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده

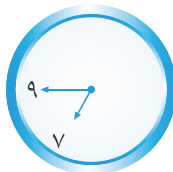
می‌شود. مثال: صِنَاعَةُ الْوَرَقِ. (صنعت کاغذ)
مضاف مضاف‌الیه

ساعت شماری: كم السَّاعَةِ الْآنَ؟ (اکنون ساعت چند است؟)

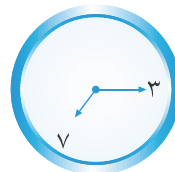
از سه تصویر ساعت داده شده ساعت خوانی را یاد گرفتیم.



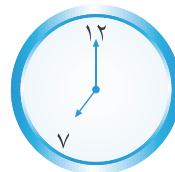
السَّاعَةُ وَالنَّصْفُ.
(هفت و نیم)



السَّاعَةُ إِلَّا رُبْعًا.
(یک ربع مانده به هفت)



السَّاعَةُ وَالرُّبْعُ.
(هفت و ربع)



السَّاعَةُ تَمَامًا.
(هفت کامل)

عددهای اصلی:

عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث
۱	واحد	واحدة	۲	إثنان	إثنتان	۳	ثلاث	ثلاثة	۴	أربع	أربعة
۵	خمس	خمسة	۶	ست	ستة	۷	سبع	سبعة	۸	ثماني	ثمانية
۹	تسع	تسعة	۱۰	عشر	عشرة	۱۱	أحد عشر	إحدى عشرة	۱۲	إثنا عشر	إثنتا عشرة



* عددهای ترتیبی حکم صفت را دارند و در جمله معمولاً صفت به شمار می‌روند.

عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث
۱	الأوّل	الأولى	۲	الثاني	الثانية	۳	الثالث	الثالثة	۴	الرابع	الرابعة
۵	الخامس	الخامسة	۶	السادس	السادسة	۷	السابع	السابعة	۸	الثامن	الثامنة
۹	التاسع	التاسعة	۱۰	العاشر	العاشرة	۱۱	الحادي عشر	الحادية عشرة	۱۲	الثاني عشر	الثانية عشرة

وزن و حروف اصلی:

- * بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف دارند. مثال: حاکم (ح، ک، م) (حروف اصلی).
- * در کلماتی مانند «عالم، تعلیم، معلوم و ...» سه حرف «ع، ل، م» به ترتیب تکرار شده‌اند.
- به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.
- * حروف اصلی کلمه به ترتیب با سه حرف «ف، ع، ل» سنجیده می‌شوند.

مثال: \leftarrow فاعِل مَنصُور \leftarrow مَفْعُول \leftarrow مَفْعُول
وزن

نکته: معمولاً وزن «فاعل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت و وزن «مفعول» به معنای «انجام شده» است.

مثال: حامد: ستاینده / محمّد: ستوده شده

روزهای هفته (أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ)

۱. يوم السَّبْت: شنبه / ۲. يوم الأَحَد: یکشنبه / ۳. يوم الإِثْنين: دوشنبه / ۴. يوم الأَثلاثاء: سه‌شنبه / ۵. يوم الأَرَبعاء: چهارشنبه / ۶. يوم الخَميس: پنجشنبه / ۷. يوم الجُمعة: جمعه
- نام رنگ‌ها (اسم الألوان)

۱. أخضر (سبز)
۲. أبيض (سفید)
۳. أسود (سیاه)
۴. أحمر (قرمز)
۵. أزرق (آبی)
۶. أصفر (زرد)



۱. عین التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- ۱) ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾: پروردگاران ما را همراه با گروه ستمگران قرار نمی‌دهد.
- ۲) «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ»: هرگاه فرومایگان به فرومانروایی رسیدند؛ شایستگان هلاک شدند.
- ۳) قول «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ: سخن ندانستن نیمه دیگری از دانش است.
- ۴) ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾: و برایم زبان درستی در مورد دیگران قرار داده‌ای.

۲. عین الخطأ فی التَّرْجَمَةِ:

- ۱) وَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً ← پاره آتش
- ۲) فَصَبِّرَ الْأَرْضَ بِهٍ بَعْدَ اغْبَارٍ خَضِرَهُ ← خشکی
- ۳) شَاهَدْتُ صَدِيقِي فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ← سالن
- ۴) نَأْكُلُ الْفُطُورَ فِي الصَّبَاحِ ← صبحانه

۳. «شَجَعْنَا صَدِيقَنَا الْفَائِزَ وَشَكَرْنَا عَلَى لَعْبِهِ الْجَيِّدِ فِي الْمُسَابَقَةِ.» عین الصحيح:

- ۱) دوست برنده، ما را در مسابقه تشویق کرد و ما از او به خاطر کار خوبش سپاسگزاری کردیم.
- ۲) دوست برنده شده را تشویق می‌کنیم و از او به خاطر بازی خوبش در مسابقات تشکر می‌کنیم.
- ۳) دوست برنده‌مان را تشویق کردیم و از او به خاطر بازی خوبش در مسابقه تشکر کردیم.
- ۴) از دوست برنده‌مان در مسابقه تشکر کردیم و او را به بازی خوب تشویق کردیم.

۴. «هُؤُلَاءِ الْمَسَافِرُونَ كَانُوا يُشَاهِدُونَ الْمَدِينَةَ مِنْ حَلْفِ نَافِذَةِ الْحَافِلَةِ.» عین الصحيح:

- ۱) این‌ها مسافرانی بودند که شهر را از پشت شیشه قطار تماشا کردند.
- ۲) این مسافران از پشت پنجره اتوبوس، شهر را تماشا می‌کردند.
- ۳) این‌ها مسافران از پشت پنجره اتوبوس، شهر را تماشا می‌کنند.
- ۴) این مسافران از پشت پنجره‌های اتوبوس، شهر خود را تماشا می‌کردند.

۵. عین المناسب لتكميل الترجمة: «أصدقن في حياتكن ولا تكذبن أبداً.» «در زندگی خود و هرگز

- ۱) راست گفتید - دروغ نگفتید
- ۲) درستکار باشید - دروغ نمی‌گویید
- ۳) راست بگویید - دروغ نگویید
- ۴) صداقت داشته باشید - دروغگو نباشید



۶. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ»:

(۱) قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

(۲) هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.

(۳) نخوردیم نان گندم دیدیم دست مردم.

(۴) دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود.

۷. ما هو الصحيح عن ترجمة الكلمات التي أُشير إليها بخط: «كان التَّعَارُفُ فِي يَوْمِ السَّبْتِ بَيْنَ هَوْلَاءِ السَّائِحِينَ.»

(۱) آشنا شدن با هم - دوشنبه - گردشگران

(۲) مهمانی - یکشنبه - گردش کردن

(۳) آشنایان - شنبه - گردشگری

(۴) آشنایی با یکدیگر - شنبه - گردشگران

۸. عَيْنَ كَلِمَةٍ تُنَاسِبُ مَعْنَى هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «بُخَارٌ مَتْرَاكِيمٌ فِي السَّمَاءِ تَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.»

(۱) الشَّرَّةُ (۲) حاسوب (۳) الغَيْمُ (۴) مَخْزَنٌ

۹. «كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَلْعَبُ وَحْدَهُ فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.» عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) برادر من کوچک در ساعت یک ربع به هفت تنها بازی می‌کرد.

(۲) برادرم که کوچک است در ساعت نه و ربع به تنهایی بازی خواهد کرد.

(۳) کوچکترین برادرم در ساعت نه و ربع تنها بازی می‌کند.

(۴) برادر کوچک من در ساعت یک ربع به نه به تنهایی بازی می‌کرد.

۱۰. عَيْنَ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ: كَمْ السَّاعَةُ؟ السَّاعَةُ:

(۱) الثَّامِنَةُ وَالرَّبِيعُ.

(۲) الثَّامِنَةُ وَالنَّصْفُ.

(۳) الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعًا.

(۴) الثَّانِيَةُ عَشْرَةٌ تَمَامًا.

۱۱. عَيْنَ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا فِعْلٌ مُضَارِعٌ لِلنَّهْيِ:

(۱) هَوْلَاءِ النِّسَاءِ لَا يَدْخُلْنَ الْمَكْتَبَةَ.

(۲) لَا تَنْتَظِرُونَ إِلَى كَثْرَةِ صَوْمِهِمْ.

(۳) أَيَّتُهَا الْفَائِزَاتُ لَا تَصْرُخْنَ أَبَدًا.

(۴) هَلْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟

۱۲. عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْآخَرَى فِي النَّوعِ:

(۱) تَصْعَدُونَ (۲) أَطْبَحُ (۳) شَكَرْتُنَّ (۴) نَهَرُبُ



١٣. عَيِّنِ الخَطَأَ عن صيغة الأفعال التالية:

- (١) لاَتَقْرِبَا هذه الشجرة ← مثنى مذكّر مخاطب
 (٢) أَنْتُمْ تَرَحَّمُونَ ← جمع مؤنث مخاطب
 (٣) هُمْ يَزْرَعُونَ ← جمع مذكّر غائب
 (٤) أَذْهَبُ إِلَى الصَّفِّ ← متكلّم وحده

١٤. عَيِّنِ عبارة ما جاء فيها فعل أمر:

- (١) إِيْجَعِلِي القلمَ هُنَا. (٢) إِرْحَمُوا مَنْ فِي الأَرْضِ. (٣) أَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ. (٤) أَكْتُبِ الدرسَ بِدَقَّةٍ.

١٥. عَيِّنِ المناسب للفراغ: «..... فوق المنضدة؟ كتابان و قلمٌ واحدٌ.»

- (١) كيفَ (٢) ماهو (٣) مَنْ هي (٤) أينَ

١٦. عَيِّنِ الصحيح عن أوزان الكلمات التالية و حروفها الأصليّة:

- (١) أَكْبَرُ (ك، ب، ر)، مُحَمَّدٌ (ح، م، د) (أَفْعَلُ - مُفْعَل) (٢) لَاعِبٌ (ل، ب، ع)، صَبَّارٌ (ص، ا، ر) (فَاعِلٌ - فَعَال) (٣) مِفْتَاحٌ (ت، ا، ف)، نَصِيرٌ (ن، ص، ر) (مِفْعَالٌ - فَعُول) (٤) مَقْدُورٌ (ق، د، و)، سَعِيدٌ (س، ع، د) (مَفْعُولٌ - فِعَال)

١٧. ما هو الضمير المناسب للفراغ: «..... طالبون في الصفّ العاشر.»

- (١) أَنْتَنْ - هُنَّ - نَحْنُ (٢) أَنَا - أَنْتَمَا - هُمَا (٣) نَحْنُ - هُمْ - أَنْتُمْ (٤) أَنْتُمْ - أَنْتَمَا - هُمْ

١٨. عَيِّنِ جواباً فيه أنواع الجمع:

- (١) الشوارع مزدحمةٌ و كان المسافرون منتظرين.
 (٢) تلك البناتُ ذهبنَ إلى مساجدِ المدينة صباحاً.
 (٣) هؤلاء الفلاحون رَقَدُوا تحت الشجرة نهاراً.
 (٤) يَجْمَعُ الطالبون و الطالبات اللوازمَ الضروريّة لسفرةٍ علميّة.

١٩. عَيِّنِ عبارة ما جاء فيها من الأعداد الترتيبية:

- (١) لى ثلاثة أصدقاء في الصفّ التاسع.
 (٢) لهذه الشجرة عُصْنَانِ إِيْثْنَانِ قَصِيرَانِ.
 (٣) في اليوم العاشر من هذا الشهر قرأتُ كتاباً واحداً.
 (٤) يَلْعَبُ فِي القاعةِ الثانيةِ عَشْرَةَ لاعِبِينَ.

٢٠. عَيِّنِ عبارة جاء فيها المتضاد:

- (١) جَلَسَ عَلَيَّ عَلَى اليَسَارِ وَ جَلَسَتْ فَاطِمَةُ جَنْبَهُ.
 (٢) أَوْجَدَ المَسَافِرُ غُرْفَةً رَخِيصَةً بَيْنَ الغُرَفِ الغَالِيَةِ.
 (٣) قَبْلَ بَدَايَةِ السَّنَةِ الدِّرَاسِيَّةِ شَاهَدْتُ مُعَلِّمِي.
 (٤) إِسْتِخْدَامُ الجَوَالِ فِي هَذَا المَكَانِ مَسْمُوحٌ لِلحَاضِرِينَ.

٢١. عَيِّنِ الخَطَأَ عن استعمال الضمير:

- (١) يازميلي ما اسمك؟ إِسْمُكَ حَامِدٌ.
 (٢) مَنْ ذَلِكَ الوَلَدُ؟ هُوَ جَارِي.
 (٣) أَيْنَ بَيْتُكَ؟ بَيْتُنَا قَرِيبٌ مِنَ الجَامِعَةِ.
 (٤) هَذَانِ جَنْدِيَانِ هُمَا شُجَاعَانِ.

٢٢. عَيِّنِ الفعل المناسب للفراغ: «أنتِ سَيَّاحَةٌ..... عن القرية البعيدة.»

- (١) تَبَحَّثَانِ (٢) تَبَحَّثِينَ (٣) تَبَحَّثَنَ (٤) يَبْحَثُ





٢٣. عَيِّنْ عِبْرَةً جَاءَ فِيهَا التَّرْكِيبُ الوَصْفِيُّ:

- (١) اِعْمَلْ لِذُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا.
(٢) عَمَلْتُ جَيِّدًا فَأَنَا أَشْكُرُكَ.
(٣) ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾
(٤) شَجَّعَتُ الطَّالِبَةَ الرَّاسِبَةَ عَلَى الْاجْتِهَادِ.

٢٤. عَيِّنْ جَوَابًا كُلَّ أَفْعَالِهِ فِي الزَّمَنِ الْمَاضِي:

- (١) أَوْجَدَ - نَمَتَ - أَنْزَلَ
(٢) اِبْحَثْ - خَلَقَ - ارْجِعُوا
(٣) شَقَّ - زَانَ - يُخْرِجُ
(٤) جَهَّزَ - ضَعَّ - أَحَبَّ

٢٥. مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِجَوَابِ هَذِهِ الْعِبْرَةِ: «كَمْ مَحَافِظَةً تَعْرِفُ؟.....» .

- (١) فِي بَلَدِنَا (٢) أَرْبَعَةٌ (٣) مَسَاءً (٤) مِنْ أَيْرَانَ

٢٦. عَيِّنْ كَلِمَةً لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى:

- (١) الْغَيْمُ (٢) رِيحٌ (٣) مَطَرٌ (٤) صَحِيفَةٌ

٢٧. عَيِّنْ جَوَابًا مَاجَأ فِيهِ التَّرْكِيبُ الْإِضَافِيُّ:

- (١) اِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ.
(٢) اسْتَلَمَ الْمُسَافِرُ حَقِيبَتَهُ مِنَ الْمَخْزَنِ.
(٣) شَلَّالٌ سَمِيرَمٌ فِي مَحَافِظَةِ إِصْفَهَانَ.
(٤) لَوْنُ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ جَمِيلٌ جَدًّا.

٢٨. مَا هُوَ مَعْنَى «الْفُسْتَانِ»؟

- (١) كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ.
(٢) مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ.
(٣) مِنَ الْمَلَابِيسِ النِّسَائِيَّةِ.
(٤) قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.

٢٩. «الْمَعْلَمُ يُدْرَسُ لِلتَّلَامِيذِ دَرُوسًا جَدِيدَةً.» عَيِّنْ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ فِي السُّؤَالِ:

- (١) لِمَنْ يُدْرَسُ الْمَعْلَمُ؟
(٢) مَتَى الْمَعْلَمُ يُدْرَسُ دَرُوسًا جَدِيدَةً؟
(٣) مَا يُدْرَسُ الْمَعْلَمُ؟
(٤) مَنْ يُدْرَسُ دَرُوسًا جَدِيدَةً؟

٣٠. عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ نَوْعِ «لَا»:

- (١) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَرَى أَعْمَالَ النَّاسِ!؟ (نَافِيَةٌ)
(٢) لَا يَنْجِحُ مَنْ لَا يَجْتَهِدُ. (نَافِيَةٌ)
(٣) لَا تَحْقِرُوا كُلَّ مَنْ لَيْسَ لَهُ مَالٌ. (نَافِيَةٌ)
(٤) لَا تَنْتَظِرُنَ النِّجَاحَ مِنَ الرَّاسِبِ. (نَافِيَةٌ)

٣١. كَيْفَ نَكْتَبُ بِالْعَرَبِيَّةِ عِبْرَةَ «سَاعَتِ چَهَارَم»؟

- (١) سَاعَةٌ أَرْبَعَةٌ.
(٢) السَّاعَةُ الْأَرْبَعَةُ.
(٣) سَاعَةٌ رَابِعٌ.
(٤) السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ.